

انجمن استرآباد مضطرب گردیده صدوپنجاه نفر پیاده از دهات به شهر آورده شبها در اطراف بدنه شهر قراول گذارده پانصد قدم فاصله يك چادر زده اند. فقرا و ضعفا که در کنار شهر ساکنند زن و بچه آنها در شب و روز خواب و آرام ندارند. از يك طرف مردم به هیجان ۱۱۲ آمده از شدت گرفتاری و پریشانی می خواهند داخل نشوند، به شیخ محمد باقر نامربوط علی الشمس نامربوط ۱۱۲ می گویند. يك طرف مهربانی حاج شیخ حسین مردم را فریفته کرده متفرق می شوند. والا تمام خلق استرآباد از این مشروطه بیزاری کرده از ترس دولت هر يك میل دارند به دولت خارج پناهنده شوند. متجاوز از دوست نفر باشبرد ۱۱۵ از مدیر قونسول و از وکالت استرآباد خواسته کارند. لکن مدیر قونسول بعضی را می گوید در موقع اغتشاش که خطر باشد قزاق برای محافظت شماها می دهد و محترمین را هم به قونسولخانه پناه می دهد. تا چه شود.

درباب تلگراف انجمن به... ۱۱۶

به دستور العمل باران پانوف رئیس مجاهدین انجمن استرآباد تلگرافی به اسم روسها به شیخ صدوق نمودند که شما تلگراف به قضاات جعفر بائی نمائید شرارت را کنار گذارده وارد به مشروطه و انجمن استرآباد بشوند. شیخ مذکور هم به قضاات جعفر بائی تلگراف کرده دولت ایران مشروطه است، بر شماها واجب است که اطاعت ۱۱۷ انجمن را نمائید. صورت تلگراف را انجمن توسط آقاسیدیحیی هشتم ماه اپریل برای تراکمه جعفر بائی فرستاد. تا چه اقتضا کند. چند دهات اتک تماماً زن و بچه خود را کوچانیده به شهر آمدند.

نمره ۵۳

درباب گرفتن دو نفر شهری را

چند نفر شهری از گنبد قابوس با عرابه به شهر می آمدند. طایفه آتابائی يك نفر خیاط را ۱۱ غلام تلگرافخانه گرفته دوست تومان روغن و فام گاو خریداری حاجی علی محمد را به غارت بردند.

درباب فرستادن انجمن قهارخان اثرانی را برای اسکات تراکمه جعفر بائی

به سبب اردوزدن تراکمه انجمن و مسیوپانوف رأی دادند چند خلعت و يك بارقند برای طایفه جعفر بائی ببرند و سیصد تومان هم بعد به آنها داده شرارت را کنار بگذارند.

۱۱۳ - اصل: هیجان.

۱۱۴ - کذا، جمله چنین است.

۱۱۵ - (= پاسپورت).

۱۱۶ - يك کلمه ناخوانا.

۱۱۷ - اصل: عطاقت.

قهارخان مشروطه خواه بادونفر از مجاهد خلعت و قندرا به جعفر بائی برده، تقی ترکمان خلعت انجمن با قند بین خودشان تقسیم نموده، به او گفتند سیصد تومان را که آوردی در میان سوار تقسیم کرده شرارت نخواهند کرد. مراجعت قهارخان چهل نفر ترکمان دیگر با خبر شده تعاقب کرده تفنگ زیادی به ایشان زده اسب میرپنج توپخانه را که سوار بودند تیر افتاده فرار اختیار نمودند.

درباب چپاول سوار داز

شب دهم اپریل دو بیست سوار از طایفه مذکور دودسته گردیده، یک دسته هزار و چهار صد گوسفند قلی آباد راسه فرسخی شرقی چپاول، یک نفر چوپان را به قتل رسانیده، دسته دیگر دو بیست و پنجاه رأس گاو از پشت قریه والش آباد ۱۱۸ سمت شرقی چپاول نموده بردند.

گرفتن پیچ تلگراف را مسیو پانوف

مسیو پانوف پیچ را برمی دارد تلگراف روسها خوابیده. مدیر قونسول غلام تزد مسیو پانوف فرستاده و پیچ را مطالبه کرد. جواب داده مدیر رسماً بنویسد. مجدداً منشی رافرستاد، ایضاً جواب داده وزیر مختار به من بنویسد تا جواب بدهم.

درباب رفتن مجاهدین بندر جز

ایضاً هفت نفر رامیانی که از ترس سالار مقتدر به شهر آمده با هفت نفر مجاهد بندر جز می روند از گمرکخانه پول بگیرند، در ضمن هم مأموریت داشتند سرحددار را از بندر بیرون کرده، قهارخان اترانی را سرحددار نمایند. قهارخان هم سی قبضه تفنگ بایک جعبه فشنگ گرفته همراه ایشان رفتند. از قرار معلوم سرحددار را حبس کرده ملازمش راکشته اند.

درباب تویچی ترکمانها

انه محمد ترکمان تاجر گموش تپه د و عراده توپ آق قلعه را تعمیر کرده، بیست نفر از ترکمان تویچی گرفته هر یک راماهی ده تومان موجب قرارداد بدهد، لباس آنها را از ماهوت قرمز باد و عراده توپ به اردوی آقشین تپه روانه کرده، صبح و شام شلیک می نمایند. لکن آذوقه و پول از طرف سالار معزز و سالار مقتدر فوق العاده برای ترکمانها می رسد که انجمن را برهم بزنند.

درباب بردن اسیر میان دره را

شب ۱۲ ماه مذکور تراکمه جعفر بائی به قریه میان دره سه فرسخی مغربی رفته یک نفر زن را کارد زده عروس او را گرفته بردند.

حرکت اردوی تراکمه به سمت آهن تپه

صبح ۱۲ اپریل اردو را حرکت داده در آهن تپه زیرحد محمدآباد و اترچال يك فرسخ ونیم مسافت با شهر است منعقد کرده، نظر قلیچ و تمر سردار خوانین قان یخمز با پانصدسوار به اردو وارد شده شلیک توپ نمودند. چندقریه تمام زن و بچه را باقدری اسباب به شهر آورده، سوای قریه محمدآباد که از شهر کمک و فشنک فرستاده شد.

گرفتن انجمن بیست نفر توپچی

حاج شیخ حسین و شیخ محمدباقر متوحش شده بیست نفر از حمال و تریاکی توپچی گرفته، هر يك را ماهی شش تومان مواجب بدهند. چون در این مدت اغتشاش توپچی های دولت فراری شده چند توپ هم ماهوت تجار برای لباس توپچی های جدید به خیاط داده بدوزند. محمدحسین خان میرپنجه به امر حاج شیخ حسین دو عراده توپ ته پر بیرون آورده توی شهر گردش می دهند.

درباب آمدن تراکمه به سر قریه محمدآباد و آتش زدن چند قریه

کربلائی محمدخان ساکن قریه فوجرد از ترس قریه را خالی کرده به شهر آمد. صبح سیزدهم سوار ترکمان فوجرد را آتش زده به قریه کماسی آمدند. قدری با رعیت کماسی نزاع کرده کماسی را آتش داده، دو نفر مقتول یکی راسر بریدند و سه نفر دیگر را گرفته، يك نفر از ترکمان آتابائی مقتول. شلتوک و اجناس زیادی بادویست گاو از کماسی بردند. بعد به سر قریه محمدآباد رفته، در صورتیکه قریه مذکور صد نفر تفنگچی قابل دارد. از اطراف شهری دویست نفر امداد رفته، چهار ساعت نزاع سختی نمودند. سوار ترکمان در جنگ خدعه کرده پهلوی یاور محمدزمان خان ولایت را در جلگه انداخته غلبه نمودند. پانزده نفر مقتول، بیست نفر تیردار، به قرب دوازده نفر مفقود الاثرند. اهالی محمدآباد تا مقارن غروبی از يك طرف... ۱۱۹. نموده، يك طرف زن و بچه با جزئی اسباب خانه به شهر برده صبح سیزدهم قریه محمدآباد را آتش زده، متجاوز از شش هزار تومان گاو و اجناس از ذخیره دولت به مردم دهات و شهری دادند. اکثری از مقتول را ترکمانها به اردوی خود برده صبح سیزدهم قریه محمدآباد را آتش زده، متجاوز از شش هزار تومان گاو و اجناس به غارت برده، قریه کریم آباد، جعفر آباد، مریم آباد، ولیک آباد را هم آتش زده، چهار پنج نفر از مریم آباد مفقودند. بعد به سر قریه اوجابن رفته نزاع سختی می نمایند. دو نفر از تراکمه تیر گرفته سه اسب سقط شده برگشتند. در محمدآباد پیاده شده چوب و درهای خانه ها را با عرابه حمل به صحرا نمودند. روز چهاردهم رعیت زنگی محله و اوجابن ۱۲۰ تمام اموال خود را با زن و بچه وارد شهر نموده، گاو و گوسفند وزن و مردد هاتی توی کوچه و تکایا و مساجد بی سروسامان ریخته، روز وانفسا می باشد.

ریختن مردم به قونسولخانه روس

ایضاً روز مذکور به قرب هزار نفر زن و مرد شهری به خانه حاج شیخ حسین و شیخ محمدباقر ریخته نامربوط زیادی گفتند. برای شیخ محمدباقر تیر خالی شده فرار کرد. بعد به قونسولخانه روس ملتجی شدند. مدیر قونسول فوراً اعتصام الممالک و دوسه نفر صاحب منصبان را احضار و تمام علماء را خواسته رفتند. چند چادر توی باغ برای مردم سرپا کرده تماماً را نهار داده پاسخ تلگراف را از اعضای انجمن خواسته. جواب دادند مسیو پانوف گرفته. دیروز هم بدلیاس مبدل عبا و عمامه ۱۲۱ گذاشته فرار کردند. مدیر، حاج شیخ حسین را هم به قونسولگری برده قرار گذاشت بیست و چهار ساعت من رفع اغتشاش را می کنم. در صورتیکه شماها از جانب خود قول بدهید که اسم انجمن و مشروطه نبرید. آقایان تماماً قول دادند. مدیر، میرزا جعفر منشی را با هشت نفر سوار جکت به اردوی تراکمه فرستاد که تمام قضات جعفر بائی چادر مخصوص در اردو دارند. سؤال و جواب می نماید. قاضیها پیغام برای مدیر دادند محض خواهش شما حرفی نداریم. اولاً چهار نفر اعضای انجمن را بدامر مسیو پانوف رئیس مجاهدین به ما بدهید. دیگر آن که نوزده روز است اردوی ما منعقد شده روزی هزار تومان مخارج و مصارف اردوی ما را بدهید. دولت هم تلگراف نماید که از این خدمت تراکمه راضی شدم، فوراً اردوی خود را برهم می زنیم. هر آینه این کار بشود تمام بلوکسدن رستاق و استراباد رستاق را سوای کرد محله و کتول و فندرسک آتش داده برای مخارج اردو دهات را چپاول می کنیم. بعد به شهر خواهیم ریخت. منشی قونسول مراجعت کرده مطالب را به عرض مدیر رسانیده. صبح پانزدهم مجدداً اهالی شهر به اتفاق علما و اعضای انجمن به منزل اعتصام الممالک رفته از آنجا به قونسولگری می روند. مدیر جواب قضات تراکمه را به ایشان می دهد. قرار شد هزار تومان آقارمضان و آقا حسینقلی بدهند. مقارن ظهر مدیر و جهره را برای تراکمه بفرستد، پنج روزه مهلت بگیرد تا از جانب شاه حکومت معین نمایند و اعتصام الممالک هم نایب الحکومه باشد. اعضای انجمن قدری با هم مجادله کرده میل نداشتند وجه را بدهند. هزار تومان را سه ساعت به غروب برای مدیر فرستاده قرار شد روز شانزدهم اپریل ترکمانها بفرستند. ترکمانها صبح پانزدهم قریه فیض آباد شخصی صمصام لشکر را با قریه اوزینه سمت شرقی را آتش زده، از قرار مذکور چند زن و بچه را اسیر کرده بردند. ایضاً شب شانزدهم محله سرپیر و سبز مشهد و دباغان تمام اجناس خود را به سمت سرچشمه و محله میدان برده، اهل سرپیر و سرچشمه از عالی و دانی به قونسولگری رفتند، حتی گهواره بچه را برده خوابیدند. مردم طوری متوحش شده، هر آینه پانصد نفر پیاده ترکمان توی شهر می ریزند تماماً را اسیر و غارت خواهند کرد. سه روز است تمام کسبه بازار اجناس دکان رابه خانه برده، بازار خالی شده. یک درب دکان باز نمی شود. نان و گوشت کمیاب شده، زیرا پنج روز است از هر گوشه و کناری صدای گریه وزاری بلند است. روز مانند شب تاریک. شهر استراباد یک پارچه آتش. تصور بفرمائید که مردم می سوزند و کسی نیست به فریاد مردم برسد. وضع

روسها [و] اقتضای پولتیک آنها واضح است. درباب هزارتومان روز شاتزدهم اعضای انجمن و غیره بدخانه حاج شیخ حسین رفته صلاح در فرستادن وجه برای تراکمه ندانسته، خیال دارند همین وجه را بدهداتی بدهند که با ترکمان نزاع نمایند. خداوند بمردم رحم نماید. لکن دو روز است تلگرافخانه را باز کرده به صعوبت از طرف حاج سید طاهر با طهران مخابره می نمایند.

درباب گرفتن مجاهدین

دویست نفر اهالی شهر باهم قسم خورده چندتائی که در استرآباد است قتل برسانند. بعد به دیوانخانه رفته مجاهدین را بگیرند. چندتیر مجاهدین برای مردم خالی کرده، چهار نفر به قونسولگری فرار آ رفته، چهار نفر دیگر را گرفتند خواستند بکشند. رؤسای محل صلاح ندانسته چند قبضه تفنگ و پنج تیره و دو هزار فشنگ و دو عدد پانچده تیره، با رخوت و اسباب و فروشی که تجار برای آنها داده بودند، حتی سیصد تومان وجه نقد اهالی شهر به غارت بردند. از قراری که مجاهدین اظهار می دارند یوم ورود که ذخیره دولت را در تصرف آورده بودند هر شب تفنگ و فشنگ از ذخیره می برند محرمانه به سمت بندر جز و به توسط آرامنه که در شهر ساکنند به صحرا فرستاده می فروختند. مسیو پانوف و شیخ آقا و شیخ علی اکبر رشتی و شیخ محمد باقر همدست بوده و خیال داشتند سالار مقتدر و سالار معزز را به قتل رسانیده متدرجاً از گمرکخانه و خالصجات وجه نقد ذخیره نمایند و تفنگ فشنگ دولت را تماماً از ذخیره خارج کرده محرمانه با خود ببرند. اگر چه تا کنون آنچه خواسته بودند به عمل آمده، عجالتاً محمد آقا نایب دویم با سه نفر مجاهد به قونسولگری رفته اند که چهار نفر از این اشخاص تبعه روس بوده مابقی هر یک از او باش یک ولایتی می باشند. مسیو پانوف را بعضی می گویند به سمت شاهرود رفته و برخی می گویند با شیخ علی [اکبر] رشتی منزل شیخ محمد باقر است. شیخ آقا هم برادرزن میرزا هادی سررشته دار ولایت می باشد. تا چه اقتضا کند.

نمره ۵۴

درباب اردوی ترکمانها

اولاً جمعیت تراکمه شش هزار سوار زبده می باشد، از گوکلان و چاروا و اترکی. با تمام جعفربائی باقضات خود به امر دولت و ریاست سالار مقتدر برای برهم زدن انجمن استرآباد به حکم قضات جنگ و جهاد می نمایند. صبح ۱۷ اپریل به دهات سدن رستاق و استرآباد رستاق اعلان دادند هر یک دولت را می خواهد دو نفر اهل قریه را سه قبضه تفنگ و دو بار برنج سیورسات به اردو روانه نموده، به آن قریه رجوعی نیست. اکثر از دهات سدن رستاق هر کس برنج داشته با آدم و تفنگ روانه نمودند. هر یک از دهات برنج نداشتند

دویست تومان وجه فرستاده، تلگرافی از جانب صدر اعظم... ۱۲۲ برای تراکمه آمد. مدیر روس سه ساعت به غروب شخصاً باده نفر قزاق به اردو برده جواب دادند که این تلگراف ساختگی می باشد. ما اردو را بر نمی گردانیم. روز هیجدهم اردو برای سرخانکلاه و فخر عمادالدین حرکت به جهان آباد ملک اردو انداختند. حین حرکت یک دسته سوار به سرقریه نظر آباد رفته نزاع سختی شد. دواسب از تراکمه سقط شد، برگشتند. یازده مقتول را به اردو برده بودند. نصف آنها سر بریده، بعضی را به جعفر بائی و برخی را به طایفه داز وایلغی فرستادند. بدنهای مقتولین آنچه گوش [داشت] بریده و بردند روغن بگیرند. سایر اعضاء و جوارح آنها را با تبر خرد کرده، سه مقتول زنگی محله را شحت و چهار تومان فروخته جسد خرد شده را آوردند. سایر جسد ها را بعد از حرکت اردو هر کس نشناخته یک جسد را برده دفن کرده. ساعدلشکر فوراً به شهر آمده هزار تومان قرض کرده مراجعت نمود. چند کاغذ به سالار مقتدر متظلمانه نوشته و هزار تومان را به اردوی تراکمه فرستاد. طایفه داز را به وعده و وعید زیادی کرده با او کاری نداشته باشند. سرخانکلاه اگر چه جمعیت کثیری از دهات رفته مجدداً حاج شیخ حسین صدنفر از دهاتی و شهری روزی سه هزار وجه و دو هزار فشنگ خریده امداد فرستادند. تاجه شود. قریه محمدآباد و کماسی با فوجرد و کریم آباد را که آتش دادند رعیت اکثر اسباب خود را دفن کرده بودند. طوری اجناس را تراکمه از توی خاک بیرون آورده که یک پرگاله نگذاشتند، حتی سگهای دهات [را] تیرزده کشتند. هزار خروار شلتوک رعیت را به غارت بردند. باین کثرت اهل دهات در شهر راه عبور و مرور از هر طرف مسدود است. برنج خوراکی یافت نمی شود. خداوند ترحم به مسلمانان نماید.

درباب رفتن پانوف

مشارالیه به اجازه حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر و شیخ آقا برادرزن میرزا هادی سررشته دار ولایتی و آقا رمضانعلی و آقا حسینقلی و شیخ علی اکبر رشتی با دو مجاهد و سه نفر رامیانی به عهده گرفته سالار مقتدر و سالار معزز را به قتل برساند. از راه شاهرود و بسطام و قلعه نو به رامیان می رود. سالار مقتدر با خبر شده، مهدی خان سرتیپ را بایست نفرسوار تعاقب میسوپانوف فرستادند. تاجه شود.

مجاهدین متحصن قونولخانه

دو نفر شب وارد شده چهار هزار تومان از بندر پول آورده بودند. تفصیل وجه مذکور مال التجاره استرآبادی که در برج است به قرب پاترده هزار تومان برای گمرک فرستاده بودند مال التجاره خود را بیاورند. پانوف رأی داده بود که شما برای چه این وجه را به گمرکخانه می فرستید عاید دولت بشود. وجه را میفرستیم از گمرکخانه بیاورند. گمرک تعرف خودمان است. چند روز دیگر من می روم مال التجاره شماها را بدون وجه خواهیم آورد. چهار هزار

تومان از این وجه را شبانه دو نفر مجاهد آورده بودند که اهالی شهر تمام پولها را تقریباً چهل قبضه تفنگ پنج تیره و غیره و اجناس چپاول می نمایند. حال این ده نفر در قونسولگری هستند، اکثر می گویند باشبرد ۱۲۲ تبعیت روس دارند. وجه غارت شده را همه هزار تومان قلمداد می نمایند. تاجه شود.

درباب آمدن کموسر با سوار جکت و قزاق از چکشلر

هیجدهم ماه اپریل دو ساعت به غروب کموسر روس با سی سوار جکت و یک نفر کشیش و هفتاد سوار قزاق و بیرق دولتی و شیپور از راه صحرا وارد به قونسولخانه گردیده، صبح نوزدهم مدیر و کموسر با تمام این صد نفر قزاق سوار شده توی دیوانخانه سواره تاخت و تاز [کرده]، بعد بیرون آمده توی کوچه های شهر و بازار... ۱۲۴ قزاقها گردش نمودند، به منزل رفتند.

درباب نوشتن به سالار مقتدر، اهالی و حاج سید طاهر

حاج سید طاهر و تجار محله میدان و... ۱۲۴ برای انقلابات شهر و شرارت یموت کاغذها و تلگرافات مفصل به سالار مقتدر نموده شهر بیائید. لکن اشخاصی که با حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر قسم خورده به عقیده خود باقی [هستند] اطراف ایشان رد نمی شوند. محله سر پیرو سبز مشهد و دباغان با محله میدان خود را بیطرف نموده دولت را می خواهند. سالار مقتدر هم کاغذی به عموم آقایان نوشته هر آینه میل دارید به شهر بیایم محترماً حاج شیخ حسین را به سر خانکلاه روانه نمائید و شیخ محمد باقر را در میان آباد به دست ساعدلشکر داده قبض رسید برای من بفرستید، خواهی آمد. دولتیان در محله سر پیرو روز بیستم اپریل انجمن نموده این دو نفر [را] بردند. مشروطه ها به قرب دو بیست نفر سادات بنی کریمی و محله درب نو و نعلبندانی با نصف جمعیت سر چشمه جمعیت کرده نمی گذارند این دو نفر بروند.

مراجعت اردوی تراکمه

ایضاً تراکمه اردو را از جهان آباد حرکت داده در آقشین تپه منعقد کردند. قرار بود دهات سدن رستاق را آتش دهند. دهات مزبور متعلق به جعفر بائی می باشد رضایت نداشتند. طایفه آتابائی می گویند دهات شمالی شهر متعلق به ماها را آتش داده خراب کردید. ما هم می خواهیم از شمارا خراب کنیم، به این سبب بین آتابائی و جعفر بائی نزاع گردیده، قریه هاشم آباد را آتش زده جعفر بائی تعرض کردند.

ایضاً ورود قزاق روس

روز ۲۲ اپریل ده نفر قزاق روس بایک نفر صاحب منصب و بیرق دولتی از صحرا به

قونسولخانه وارد شدند. صبح ۲۳ به امر مدیر روس دیوانخانه رافرش کرده دویست و چهل سوار قزاق و دو صاحب منصب با دویست و بیست و هفت سوار وارد دیوانخانه گردیده که جمعا سیصد و پنجاه نفر عده قزاق و سوار جکت روس می باشد. تاجه اقتضا کند.

درباب بیرون کردن شیخ محمد باقر

روز مذکور اهالی محله سرپیر و میدان در مصلی ازدحام و شورش نمودند، شیخ محمد باقر را بیرون نمایند. حاج شیخ حسین واگذار به نعلبندانی کرده آنها بیرون نمایند. دویست نفر تفنگچی از مصلی حرکت به سمت خانه شیخ محمد باقر کرده، پیر مردان جلو گیری می نمایند از طرفین قتل نشود. آقا شیخ حسن ۱۲۵ مجتهد به منزل شیخ باقر رفته او را با چند نفر به سمت میان آباد حرکت داده رفتند.

نمره ۵۵

درباب آتش زدن تخی محله

بیست و چهار ماه اپریل ۱۲۶ تر کمانها به سر قریه تخی محله رفته آتش دادند. از آنجا به قریه قلندر محله رفته دو ساعت نزاع سختی نموده برگشتند.

درباب دروازه بسطام

در این اغتشاش حاج شیخ حسین باعث گردیده چند نفر تجار عاجلا دروازه بسطام را درست کرده... ۱۲۷ نمودند و یک دروازه هم در قلعه کهنه که برای محله میجچه گران خطر داشت استوار می نمایند.

درباب گرفتن چهار نفر مجاهد و فرار قهارخان

قهارخان اترانی با سه نفر مجاهد از بندرجز لتکا سوار شده به دریای می روند. پراخوت جنگی روسی سه نفر مجاهد را گرفته در عسوراده حبس می نمایند. قهارخان فرار آبه جنگل اتران آمده در منزل... ۱۲۸ رفته متوحش است و یک نفر مجاهد را حاج شیخ محمد حسین از کرد محله فرستاده گرفتند. لکن این ده نفر که در قونسولگری متحصن بودند، شش نفر آنها تبعه روس بوده، مدیر قونسول باده نفر قزاق آنها را از گموش تپه به روسیه فرستاده، چهار نفر دیگر را هم رها نمودند.

۱۲۵ - با حاج شیخ حسین نباید اشتباه کرد.

۱۲۶ - اصل: می.

۱۲۷ - یک کلمه ناخوانا. ظاهرآ: سفت.

۱۲۸ - یک کلمه ناخوانا.

درباب بیرون کردن حاج شیخ حسین

بیست و پنجم ماه مذکور مجدداً در محله سرپیر دولتیان اجتماع کرده حاج شیخ را به امر سالار بیرون نمایند. مشروطه‌ها به قرب پانصد نفر با اسلحه اطراف او را گرفته، هر آینه دولتیان بروند مانع شده نزاع نمایند. حاج سید طاهر این مطلب را به مدیر روس اطلاع داده، معزی‌الیه میرزا جعفر را فرستاده با حاج شیخ حسین و تجار محرمانه صحبتی کرده جواب دادند فردا حاج شیخ می‌رود و شمارم را متفرق نمائید. در ضمن تلگرافی از صدر اعظم رسیده، سالار اکرم و صمصام لشکر باپسر حاج سید طاهر در محله سرپیر آورده، قرائت شد که حکومت استرآباد سه روز است حرکت کرده، نایب‌الحکومه سالار مقتدر است. هر امری که مشارالیه می‌نماید از طرف اعلیحضرت اقدس همایونی می‌باشد. در ضمن برای ورود قزاق و سوار جکت و رفتن بدیوانخانه مردم متوحش شده، شیخ هادی نام تلگرافی به صدارت کرده آمدن قزاق و سوار جکت چه جهت دارد. جواب داده به واسطه اتحاد بین دولت ایران و روس این عده سوار جکت به استرآباد آمده که شماها را امنیت بدهند. ابداً خیال خودتان را مشوش نکرده سالار مقتدر نایب‌الحکومه می‌باشد و این عده سوارهای روسی به دستور العمل رفتار خواهند نمود. آسوده باشید و تلگرافات عدیده‌ای چند از سوارهای تراکمه رسیده است واردوی تراکمه هم از قرار معلوم با ورود حکومت برهم نخواهد خورد.

درباب آمدن ساعد لشکر از جانب سالار

بیست و ششم ماه اپریل ساعد لشکر از علی‌آباد کنول مراجعت کرده کاغذی سالار مقتدر نوشته بود که حاج شیخ حسین به امر دولت باید از شهر برود و ساعد لشکر هم از جانب من نایب‌الحکومه است. معزی‌الیه پاکت ایلخانی را به منزل حاج شیخ حسین برده قرار دادند حاج شیخ با تمام تجار بیست و هفتم حرکت به سمت فن‌درسک [کنند] و خدمت سالار بروند. روز مزبور باران شدیدی آمده، قرار شد بیست و هشتم به فن‌درسک بروند. صبح بیست و هشتم حاج شیخ حسین و جمعی از تجار مشروطه‌خواه و سادات بنی‌کریمی و محله پاسروی و میخچه‌گرانی به قرب دو بیست نفر بقونسولگری رفته متحصن و تماماً با شبر ۱۲۹ تبعیت خواستند. مدیر روس چند اطاق متعدد برای هر طبقه خالی کرد، تجار از منزل خود فرستاده فرش و لوازمات دیگر آورده، شام و ناهار از منزل تجار می‌رود. بعد از اطلاع دادن مدیر به سفارت و رسیدن اجازه صبح بیست و نهم مدیر حاج شیخ حسین و اعضای انجمن را احضار کرده گفتگو می‌کند. پولهایی که از گمرک مشهد سرو بندر جز مجاهدین به استرآباد آورده چه شده است؟ تفنگ و فشنگ دولت را که تفریط کرده‌اید جواب دولت را چه خواهید داد؟ تماماً انکار نمودند. تلگرافی که برای آمدن پانوف کرده بودند مدیر نشان داده گفت مجاهدین به اجازه شماها آمده بودند. سرتیپ انخیره را احضار کرده سؤال کرد شما ذخیره دولت را چرا باز کردید؟ مشارالیه گفت مرا مغلولاً دست بسته برده، همین اشخاص که حاضرند

تمام ذخیره را تسلیم کردند. بعد از این دو سؤال و اثبات مدیر حاج شیخ حسین و سایرین سرهارا به زیر انداخته جوابی ندادند. بعدیست و چهار نفر رؤسارا در قونسلخانه نگاه داشته سایر خلق را بیرون کرده منتظر ورود سالار مقتدر می باشند. تا چه اقتضا کند. سوارهای روس دونفر بلد از شهری گرفته همه روزه صبح و عصر توی کوچه ها و اطراف شهر و بدنه گردش می نمایند. از قرار مذکور عده زیادی سوار جکت و قزاق به آق قلعه وارد شده اند و این عده سوار و قزاق که [به] دیوانخانه وارد شده از یوم ورود همه روزه چند نفر عمه زیادی و بنا برده مشغول تعمیرات دیوانخانه می باشند.

نمره ۵۶

درباب قتل دونفر نوده ای سه فرسخی شرقی

برای يك قبضه تفنگ برزنکه بین رعایای ساعدلشکر در نوده ملك نزاع شده می ریزند به خانه اکبر نام. اکبر هم يك نفر را کار داده فوت شد. بعد قاتل را دستگیر نموده به درخت می بندند. برادر مقتول با تفنگ تقاص می نماید.

قتل دونفر چارچناری

سلخ ماه اپریل دونفر رعیت چارچناری دو فرسخی شرقی بیرون قریه شخم می نمودند، تراکمه اتابائی رفته ایشان را به قتل رسانیده، تفنگ آنها را بردند.

نزاع تراکمه در سدن رستاق

غره ماه می سوارترکمان برای آتش زدن قریه قلندر محله يك فرسخی مغربی می روند. اهالی قریه از اطراف برای خود کمک آورده بسخو داشتند. به قرب چهار ساعت نزاع سختی شد. از طرف ترکمان يك نفر مقتول، دوسه نفر تیردار، چند اسب سقط شده، مقتول را گذاشته رفتند. از طرف ولایت يك نفر هاشم آبادی مقتول، سه نفر ورسنی و غیره تیردار [شدند]، سه مقتول ترکمان را به شهر آورده ده تومان از مصاص لشکر انعام گرفته رفتند. تراکمه برای مقتول خود سیصد تومان وجه داده ندادند. دهاتی می گوید اسیر میان دره ای و يك نفر رعیت نودیجه را بدهید نعش را می دهیم. لکن از کرد محله و سایر دهات هزار و دویست نفر متجاوز قلندر محله رفته برای جنگ حاضرند. برنج و گوسفند هم دهات اطراف برای ایشان می فرستند. تا چه اقتضا کند.

درباب تلگراف ساعدلشکر به سالار مقتدر

ایضاً برای اغتشاش استرآباد و حرکات مشروطه ها ساعدلشکر تلگراف سختی به سالار نموده، هر آینه آمدن شما به شهر تأخیر بیفتد من هم نخواهم ماند. روز دویم سالار جواب داده به اتفاق سالار معزز به میان آباد ملك خواهیم آمد. روز سوم ماه مذکور ساعد

لشکر حرکت سالار را اعلان داده به قرب صدنفر از علما و کسبه و غیره به میان آباد رفتند. روز چهارم ماه دو ساعت به غروب پانصدنفر متجاوز استقبال رفته به احترام زیادی وارد به منزل سالار معزز [شد]، حین ورود ده تیر توپ شلیک نمودند. شب چهارم که حضرات میان آباد توقف داشتند تلگرافچی روسها به حاج شیخ حسین و تجار اطلاعی داده محمدعلی شاه مشروطه داده است. فوراً مطلب در میان مشروطه‌های درب نو و میخچه گرانی و سادات بنی کریمی منتشر شد. ساعت پنج دوهزار تیر تفنگ شلیک نمودند که اهالی اکثر به خیال ریختن ترکمان توی شهر متوحش گردیده چند زن بچه سقط ۱۲۰ نمودند.

درباب آمدن ده نفر مجاهد دربندر جز

ده عدد باشبر ۱۲۱ به اسم این ده نفر در قونسولخانه آورده امضاء نمایند. رئیس تلگرافخانه راپرت دادند که این ده نفر تماماً جوان و یراق هم دارند. مدیر قونسول باشبردهارا امضاء نکرده سالار مقتدر تلگرافی به حاج رستم یوزباشی نموده چون سرحددار بندر جز به طهران رفته است شما این ده نفر را توقیف نمائید. بین قهارخان اترانی و محمدعلی خان نزاع است. قهارخان جمعی از قنوج و رعیت کارکنده اطراف خود جمع نموده مشروطه خواه است. محمدعلی خان جمعی در نوکنده ازدحام کرده شاه پرست است. تاجه اقتضا کند.

احضار سیصدنفر پیاده‌های را

صبح پنجم ماه می سالار مقتدر از سرخانکلاه و سایر دهات استرآباد رستاق سیصد نفر پیاده خواسته تماماً حاضر شدند و برای اسکات تراکمه توسط موسی خان ترکمان پیغام داده در قلعه محمود سران یموت را ملاقات نموده قراری برای متفرق شدن آنها بدهند. به واسطه ملاقات مدیر روس میرزاهادی خان سرتیپ را با کربلائی محمدخان فرستاده رفتند. در موقعی که سیصدسوار یموت سوار گردیده به سمت قلندر محله می رفتند، ایشان وارد به قریه شده با سواران ترکمان طایفه جعفربائی سؤال و جواب کرده عهده گرفتند مقتول جعفربائی را گرفته بدهند و سوار یموت مراجعت به اردو نمودند.

رفتن سالار مقتدر به قونسولگری روس

دو ساعت به غروب سالار مقتدر و [سالار] معزز و ساعدلشکر و سالارا کرم به قونسولخانه رفته اشخاص متحصن را از مدیر خواستند که مطالبه تفنگ و اموال منهبه مردم را بنمایند. مدیر جواب داد ما این کار با حکومت است، به شماها ربطی ندارد. بعد سؤال کردند اموال اشخاص مشروطه‌ها و کسان این چندنفر متحصن که توی شهر به عقیده خود باقی هستند امر به گرفتن آنها نمائیم. مدیر جواب داده چون رؤسای مشروطه در منزل من پناه آورده‌اند لهذا کسان و اموال ایشان هم باید محفوظ باشند تا ورود حکومت. حضرات رنجش کرده

مراجعت به منزل نمودند. سیصد نفر پیاده را مرخص کرده در شهر بمانند، در موقع لزوم حاضر شوند. ایضاً خبر صریح رسیده اطراف آق قلعه را قرق کرده نمی گذارند مالهای تراکمه [را] در آنجا تعلیف ۱۳۲ نمایند.

درباب گاوهای زیارتی

چهارصد رأس گاوهای زیارتی همه ساله برای تعلیف ۱۳۲ در آتابای می رفتند. ترکمان ساخلو گاوهارا نگاه داشته بعد از گرفتن شصت من روغن به صاحبان گاو گفته است سیصد تومان بدهید گاوهای خود را ببرید. سالار مقتدر حکمی در این باب نوشته... ۱۳۳ سابق رفتار نمائید. ترکمانها اعتنائی نکرده گاوها را ندادند.

درباب اسیر دختر لاله دوین ۱۳۴

صبح ششم ماه می سوار جعفر بائی یک دختر شش هفت ساله از قریه لاله دوین یک فرسخی مغربی اسیر کرده بردند.

درباب چپاول کتول

صبح هفتم ماه مذکور به سالار معزز خبر رسید تراکمه باز قریه محمدآباد را چپاول کرده معظم الیه اگرچه از جواب مدیر رنجش داشت، به این سبب مقارن ظهر حرکت به سمت کتول نمودند.

نمره ۵۷

درباب چپاول کتول

از قراری که خبر رسید ترکمانهای طایفه داز چهل رأس گاو از محمدآباد چپاول کرده، دو قبضه تفنگ، یک بلوک گوسفند، یک نفر آدم به قتل رسانیده رفتند.

آتش زدن قریه کلو - گرفتن یک نفر اسیر در باغ گلبن

شب هشتم ماه می یک دسته ترکمان جعفر بائی قریه کلو یک فرسخی مغربی را آتش زده رعیت متواری بودند. ایضاً یک دسته از آتابائی به قریه باغ گلبن یک فرسخی شرقی رفته یک نفر را اسیر کرده می بردند. اهالی قریه نصرآباد جلوگیری کرده اسیر را پس گرفتند.

۱۳۲ - اصل: تألیف.

۱۳۳ - یک کلمه ناخوانا. ظاهراً: شما بمعمولی.

۱۳۴ - لددوین (فرهنگ آبادیهای ایران).

درباب متفرق شدن اردوی تراکمه

روز مذکور سالارمقتدر برادرش میرزاهادی خان را به قریه قلعه محمود فرستاده کاغذی به قضاات نوشتند: اردو را برهم بزنید، محمدعلی شاه کمال رضایت را از خدمات کافی شماها داشته، همه نوع در حق عموم قضاات و خوانین مرحمت و انعام و جایزه خواهد شد. قضاات هم امر نموده اردو را برهم زدند. لکن چون سالارمقتدر با تراکمه دازو جعفر بائی قرار داده بودند روزی هزار تومان برای مخارج اردو به ترکمانها بدهند به واسطه ندادن وجه مزبور ترکمانها از سالار مقتدر رنجش نموده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول جاجرم

ایضاً خبر رسید دویست سوار از طایفه چاروای، دویچی و گوکلان به سمت نردین رفته دوسه قریه را چپاول کرده، بیك روایت سی نفر، يك روایت ده نفر را به قتل رسانیده صدشتر و دوسه بلوک گوسفند گرفته اند. ایضاً مشهور است سالار مفخم بجنوردی سر راه ترکمانها را بریده اموال را پس گرفته و از تراکمه هم عده زیادی [را] به قتل رسانیده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب خواستن مدیر روس اموال شش نفر تبعه را

به عرض رفته که محمد آقا و پنج نفر دیگر را مدیر روسیه فرستاده اجناس و لوازمات آنها را که اهالی شهر به غارت برده بودند تماماً را به مدیر صورت داده اند. به قرب هفت هزار تومان وجه نقد که از بار فروش و بندر مشهدسر و بندر رجز و مختص خودشان را اهالی شهر غارت کرده، مدیر رسماً به کارگذار استرآباد می نویسند. در ضمن ۱۲۵ هم تحقیقات لازم را با سامی اشخاص غارت کننده به دست آورده از طرف کارگذار هم اقدامی در این باب شده دهم ماه می غلامهای خود را با سوار جکت امر کرده بهرامعلی خان سرتیپ را با آقامحمود و پنج نفر دیگر گرفته به قونسولگری بردند. بعد از سؤال و جواب به کارگذاری فرستاده استنطاق شد. عصری مدیر به دیدن سالارمقتدر می روند. سالار ایراد کرد بهرامعلی خان سرتیپ دولت را شما بی احترامی کردید. جواب داد نه روز است برای اموال اتباع خود رسماً به کارگذاری نوشته ایم ابداً اقدامی نشده است. سالار جواب داد کارگذار هم به ما اطلاع نداده. لکن صمصام لشکر درین باب به سفارت شما شکایت خواهد کرد. مدیر جواب داد من تقصیری ندارم، این قصور به عهده اعتصام الممالک است. به موجب ثبت که از قونسولخانه رسیده است ساعدلشکر نایب الحکومه اجناس و رخوت و چند قبضه تفنگ و فشنگ به انضمام چهار صد تومان پول که مختص به اتباع روس است جمع آوری می نمایند.

درباب پول دادن اشخاص متحصن

از قرار مذکور اشخاص متحصن دو هزار تومان به مدیر قونسول تعارف داده، پانصد

تومان [به] میرزا جعفرخان و پانصد تومان به اعتصام الممالک کارگذار استرآباد که از آنها همراهی نمایند.

تلگراف نایب السلطنه و امضای شاه

دوازدهم ماه می دولتگراف برای سالارمقتدر رسید: یکی در جواب تبریک بود و یکی برای اجرای قانون اساسی و آمدن دونفر فوق العاده از طرف دولت فخریه انگلیس و روس و غنوعومی و غیره. سالار مقتدر تلگراف را به قونسولگری فرستاده اشخاص متحصن ملاحظه نمایند.

درباب فوت آقاعمد سید ساکن محله سرپیر

دست سیدی، از شدت پریشانی و گرسنگی اهل و عیال به سرقت آلوده بوده. روز سیزدهم بیرون شهر یک جاجیم و یک لحاف رعیت کریم آبادی را سرقت می کند. صاحبش خبردار شده تعاقب سید آمده توی شهر با قنذاق تفنگ دوضربت به سید وارد کرده جاجیم و لحاف را گرفته برمی گردد. سید به خانه آمده نصف شب فوت شد. وارث سید خدمت نایب الحکومه عارض شده، مأموری برای رسیدگی به قریه کریم آباد رفته شخص ضارب را حاضر نماید. ایضاً خبر رسید [در] رادکان ساور یک نفر شاهرودی را به قتل رسانیده اند. صبح چهاردهم اشخاص متحصن از قونسولخانه بیرون آمده هر یک به منزل خود رفتند.

نمره ۵۸

درباب رفتن جکتها

صبح پانزدهم ماه پولکنیک ۱۲۶ با سوارهای جکت از استرآباد حرکت کرده و صد نفر قزاق بایک صاحب منصب در دیوانخانه منزل دارند.

درباب رفتن سالار مقتدر

به سبب تلگرافات سالار مقتدر به فرمانفرما و خواستن تکلیف و نرسیدن جواب و کنایه زدن اشخاص مشروطه طلبان به سالار و غیره و نداشتن استعداد کارها را به ساعدلشکر واگذار کرده تعرضاً به فندرسک رفتند.

درباب ورود شیخ محمدباقر

اشخاص متحصن که از قونسولخانه بیرون آمدند ساعدلشکر و جمعی رأی دادند شیخ محمدباقر هم از میان آباد مراجعت نماید. روز هفدهم به قرب صد نفر استقبال رفته مشارالیه

را با احترام وارد کردند. حین ورود چندتیر شلیک تفنگ نمودند. یوم هجدهم مدیرروس يك نفر غلام نزد حاج شیخ حسین فرستاده اظهار داشت شخصی را که دولت مقید نموده است چرا بدون اجازه آمده است. برای رفتن شیخ محمد باقر با کارگذار استرآباد و حاج شیخ حسین مذاکره می نمایند. تا چه اقتضا کند.

اغتشاش سرخانکلاه

بعد از قتل حاج رحیم خان رعیت سرخانکلاه به واسطه تعدیات و ظلم مقتول و حیدر قلی خان پسرش شورش نموده، سلیمان خان سرتیپ برادر حاج رحیم خان را خواسته، سالار مقتدر حکمی برای سوارو کلانتری به اسم مشارالیه فرستاده رعیت آسوده شوند.

درباب اغتشاش شهر

جمعی از تجار و مشروطه ها همه روزه در يك جا جمعند و صحبت از مشروطه و انجمن می نمایند. جمعی از اهالی سرپیر و میدان برضد مشروطه ها قراردادها همه روزه يك خانه رفته صرف چای و ناهار نموده عنوان دولتی دارند. اشرار و الواط شبهامست و عربده کنان طرفین حرف زشت به هم می زنند، دیشب دو نفر از دولتیان دکان ملاحسن مقنی را شکافته استرآباد به واسطه نداشتن امنیت صاحب دکان مطالبه اجناس دکان خود را نموده، چوب زیادی به او زده فرار کرد. چندتیر تفنگ هم شلیک نمودند. به سبب این حرکات وحشیانه که از مردم صادر شده ساعدلشکر از نیابت خود استعفا داده به میان آباد رفتند.

درباب چابیدن زوار عرب را

هفتصد سوار از طایفه دویچی و قره داغلی و گوکلانی و چند سوار هم ازدان از پهلوی نردین و راه معدن رفته قافله عرب را چپاول کرده سی و سه نفر از اعراب را مقتول وزن و بچه آنها را اسیر و مراجعت کرده. بین راه گوسفند و شتر زیادی از محاللات چپاول کرده آوردند.

نمره ۵۹

بردن اسیر و مال از کردمحل

بیست و دویم ماه می خبر رسید چند نفر تراکمه جعفر بائی هشت رأس مال يك نفر رعیت کردمحل را اسیر کرده بردند. اهالی کردمحل در ملاکیله رفته يك نفر ترکمان را گرو نمایند. گماشته باران ۱۲۷ آقاییک مسیحی به عهده گرفته مال و اسیر را بیاورند.

درباب اسیر نودیجه

به عرض رفته بود در تراع محمدآباد يك نفر نودیجه را زنده گرفته‌اند. توسط سالار اکرم صد تومان وجه بایک سرداری گرفته اسیر را مسترد نمودند.

رفتن رعایای فوجرد

سالار مقتدر قبل از رفتن فندرسك کربلائی محمدخان و کربلائی علی اکبرخان فوجردی را سفارش نموده رعیت را بیرید به فوجرد، مالیه دیوانی رانصفه بدهند و پنجاه تومان هم به رسم انعام برای رعایای فوجرد داده. ترکمانهای آتابای که ساخلو بودند چندالاجیق آورده از شهر هم چندچادر برده رعیت به جای خود رفته مشغول زراعت کاری می‌باشند. در ضمن ساخلوی کماسی هم اطمینان به رعایا داده چند چادر به قریه کماسی زده ساکن شدند. رعیت کریم‌آباد هم از سعدآباد دو یست تومان چوب خریده مشغول تعمیر خانه‌های خود می‌باشند.

قتل ملاشعبان قنوج

ملاشعبان محرر حاج حسن تاجر ساکن قریه چهارده چهارفرسخی مغربی را خبر رسید شب توی منزلش تفنگ زده فوت شد. افواها شهرت دارد به تحریک سالاراکرم می‌باشد. طوایف قنوج تلگرافی به بشیرالملک تظلم نمودند. جواب رسید به حکومت استرآباد سفارش می‌شود.

تلگراف متحصنین عثمانی

بیست و هفتم ماه مذکور اشخاصی که در سفارت عثمانی متحصن بوده تلگرافی به رؤسای انجمن ارسال نمودند اعلیحضرت محمدعلی شاه دستخط مشروطه را داده و کمال همراهی را دارند. امروزها مشغول انعقاد مجلس دارالشورای ملی و منتخبین مجلس می‌باشیم.

درباب تفنگ زدن خانه حاج شیخ حسین

حاج شیخ حسین روزی که از قونساخانه روس بیرون آمده در میخچه گران مرکز قرار داده... ۱۲۸ همه شب با تفنگ جمع شده شیپور می‌کشند، تا صبح قراولی می‌نمایند. شب ۲۸ چند نفر مأمور سرپیری چهار ساعت از شب گذشته به ضدیت حاج شیخ حسین شیپوری به دست آورده با تفنگ به سمت میخچه گران می‌روند. تفنگ زیادی به آن سمت شلیک نموده و نامربوط به حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر گفتند. صبح دوسه نفر تجار مشروطه خواه به محله سرپیر آمده قرار دادند هر کس در گذر خود رفت و آمد نماید شب از چهار گذشته هر کس به محله غیر برود آن کس خون ندارد. تا چه اقتضا کند.

رفتن رکن الوزاره به گنبد

ایضاً وزیر امور خارجه رکن الوزاره کارگذار سابق را به ریاست گنبد قابوس مأمور نموده ۲۹ ماه می بادوقزاق روس از راه آق قلعه رفتند.

قتل دونفر زنگی محله

غره ماه جون نوروزعلی و کربلائی علی اکبر رعیت زنگی محله که این دونفر جوان و تفنگچی قابلی هر یک مقابل ده سوار بودند برای ریختن تخم شلتوک زیر حدقریه کریم آباد رفته با ترکمانهای ساخلو هم وعده گذارده شصت تومان پول همراه برده بودند. غفلتاً به قرب شصت سوار اطراف این دونفر را گرفته هدف گلوله می نمایند. بعد سر مقتولین را بادوقبضه تفنگ ورندل باوجه نقد گرفته رفتند. در صورتیکه روسی پنجاه قدم فاصله در صحرای عراقی برای تعلیف ۱۲۹ خود بوده ابدأ جلوگیری از تراکمه نکردند.

سرقت پست ساری

دویم ماه مذکور خبر رسید پست ساری پانصد قدم فاصله بایندر جز هزار و هفتصد تومان وجه مال آقاییک مسیحی در جوف بار برنج بوده مفقود شد. خبر به مدیر قونسول دادند. برای رسیدگی میرزا جعفر خان و شکرالله منشی کارگذاری به لیوان [و] هشتیکه ۱۴۰ رفته تحقیقات نمایند. تاچه شود.

نمره ۶۰۵

رفتن مدیر به زیارت خاصه رود

پنجم ماه جون مذکور برای زیارت و حمل بنه مال می خواست دوقزاق توی بازار فرستاده پنج رأس مال دهاتی را مجبوراً به قونسولگری برده هر یک را پنج هزار کرایه داده، بارها را حمل نمودند.

تخلیه کردن دیوانخانه

مدیر، باغ عباس خان را از حاج سید طاهر سالی پنجاه تومان اجاره کرده بعد از تعمیر باغ قزاقهای روس در باغ منزل نمودند.

جمع شدن سوار تراکمه

قضات جعفر بائی صد سوار انتخاب نموده برای جمع آوری جو، گندم خودشان

قراولی نمایند. برچیدن غله خیال شرارت را دارند. تاچه شود.

قتل در نوکنده هشت فرسخی مغربی

خوانین اتران برای کلاتتری سه فرقه شده هر فرقه يك دسته رعیت اطراف خود جمع نموده، ملا شفیع ۱۳۱ نام طلاب که دسته هاشم خان بود سه ساعت از شب گذشته مشغول گرفتن دست نماز بوده، گماشتگان محمدعلی خان سرهنگ او را تفنگ زده فوت شد.

بردن اسیر از النگ

ایضاً خبر رسید سوار طایفه اتابائی دونفر کودار از قریه النگ يك فرسخی مغربی اسیر کرده بردند.

مطالبه وجه از ناصر الشریعه

شب ۸ اشار سرچشمه به اجازه شیخ محمدباقر درب خانه ناصر الشریعه رفته فحاشی زیادی [کرده] و بیست تومان جرم می خواستند.

اغتشاش فندرسک

ایضاً مشروطه طلبان اهالی فندرسک و رامیان را به شورش آورده سالار مقتدر از ترس به محل کتول آمده اطمینان در فندرسک ندارد.

حرکت سرحددا ربندر جز از طهران

به موجب تلگرافی که از وزارت خارجه رسیده معاضدالملک به سرحدداری بندر عازم بود، از قرار مذکور شورشیان مشارالیه را در اترلی توقیف کرده، چون حکم وزارت خارجه به امضای ملت نبوده است.

ورود کموسر به شهر

ایضاً کموسر روس با حسن خان اوف مترجم کمیسیون به شهر آمده يك شب در قونسولگری توقف کرده دوستانه دواسب از اعتصام الممالک کارگذار خواسته، صیبح نهم ماه جون برای ملاقات مدیر زیارت خاصه رود رفته، عصری مراجعت نمود. روز یازدهم به اتفاق حسن خان مترجم از راه خوجه نفس به سمت روسیه عازم شده حسن خان اوف برای امتحان ۱۳۲ سه ماهه مرخصی گرفته، کموسر به سمت چکشلر و روسیه رفته از آنجا به گنبد قابوس خواهند رفت.

۱۴۱ - در اصل کلمه ای شبیه ملاسفیلی است، شاید سیفعلی.

۱۴۲ - اصل: امتهان.

درباب بردن دو نفر از يك فرسخی

ایضاً سوار جعفر بائی يك فرسخی مغربی بسخو نموده دو نفر رعیت را بادوقبضه تفنگ ورنندل گرفته بردند.

درباب وجه مسروقه آقایک

به عرض رفته بود میرزا جعفرخان بادو نفر قزاق و منشی کارگذاری بندرجز رفته استنطاق دوهزار تومان وجه ازساری درجوفبار برنج گذارده باغلام پست حمل نموده، پانصد قدم فاصله بابندرجز چهارنفر گلوگائی وجه را بابار برنج گرفته رفتند. میرزا جعفرخان باقزاق به گلوگاه رفته سه نفر سارق را دستگیر نموده باغلام پستساری و دو مکاری به شهر آورده در قونسولگری حبس نمودند.

نمره ۶۱۵

درباب قتل النگی

شب ۱۳ ماه جون به تحریک سیدمرتضی ساکن قریه النگ چهار فرسخی مغربی يك نر رعیت را به قتل رسانیدند.

رفتن سوار دهنه خیرات

نوزده سوار جعفر بائی بایک نفر بلد از اهالی به دهنه خیرات می روند، دوشب در آنجا توقف کرده صبح ۱۶ ده نفر لیوکشی ۱۲۲ از سمت شاهرود نمک و گندم حمل به استرآباد می کردند. نه نفر آنها را اسیر با مالها گرفته مراجعت می نمایند. يك فرسخی شرقی اهالی قریه نصرآباد از ایشان جلوگیری نموده يك اسب از ایشان تیرافتاده اسیر و مالها را انداخته فرار کردند. نزدیکی فوجرد رسیده، رعیت فوجرد تفنگ زیادی به آنها زد و يك نفر تر کمان جعفر بائی تیر گرفته، دوسه اسب هم سقط شد.

نزاع رعایای سرخانکلاه باورته حاج رحیم خان

سابقاً به عرض رفته رعیت سرخانکلاه تماماً مدعی برپسر حاج رحیم خان گردیده که سی هزار تومان در این چندساله از بابت مواجب سوار و اجحافات فوق العاده نموده باید پس بدهید. به این جهت چند مرتبه خانه حاج رحیم خان را شلیک تفنگ کرده. پسرش فراراً به شهر آمده حاج شیخ حسین برای رفع این اغتشاش چند نفر سادات بنی کریمی را با پانصد نفر تفنگچی سرخانکلاه فرستاده هر آینه طایفه مقصودلوی اصلاح نکنند صلح را مبدل به جنگ نمایند. علی العجاله ۱۲۴ توسط سلیمان خان سرتیپ رعیت راساکت نموده،

۱۴۳ - شناخته نشد. لیوکی هم می توان خواند.

۱۴۴ - اصل: علی الاعجاله.

سوار و کلانتری سپرده سلیمان خان بوده باشد.

درباب قتل زن در میدان

شب ۱۹ ماه مذکور پنج نفر ترکمان در محله میدان رفته خانه [ای] را شکافته داخل شده عیال رسول نام مشغول شیردانی بچه بوده، شوهر خود را فریاد می زند. ترکمان از پشت سر تیر زده، گلوله از سینه مشارالیها گذشته فوت شد. صبح به واسطه پریشانی رسول نام حاج سید طاهر مجتهد در منزل خود ختم گذاشته در ضمن هم تلگرافی به اعلیحضرت محمد علی شاه عرضه داشتند. از شدت اغتشاش استرآباد حکومت مقتدری استدعا نمود. تاجه اقتضا کند.

درباب احضار علاءالدوله صمصام لشکر را در بندر

نوزدهم ماه جون، علاءالدوله از بادکوبه تلگرافی به صمصام لشکر نبود صبح سه شنبه به واسطه در بندر جز حاضر باشید. مشارالیه در نکارمن سد فرسخی شاهرود بیلاق رفته بود. تلگراف را به شاهرود گفتند صمصام لشکر تلگرافی به بهرامعلی خان نموده دو اسب با سوارها را گرفته در بندر بیائید. شب پنجشنبه علاءالدوله بانواب مفاخر السلطنه وارد بندر جز گردیده به سبب آنکه دهنه مشهدسرا اکثر اوقات دریا در تلاطم ۱۲۵ است بندر جز بیرون آمده، صبح پنجشنبه ۲۴ حمام رفته از قراری که رئیس تلگراف اظهار داشت بعد از ظهر از راه اشرف و ساری به سمت طهران حرکت می نمایند.

تلگراف منتخبین مجلس طهران

ایضاً نواب فرمانفرما و سایر اعضای مجلس دارالشورای ملی تلگرافی به انجمن ولایتی استرآباد نمودند، در ضمن ۱۳۶ قانون اساسی و مشروطات منتخبین را در تلگراف درج کرده و صدویست و پنج نفر عده انتخاب شدگان را به امضای فرمانفرما و چهارده نفر منتخب دیگر اهالی استرآباد نصف مشروطه و نصف دولتی، هر یک بر ضد هم تلگرافی به فرمانفرما جواب دادند و حکومت برای اغتشاش استرآباد خواستند.

رفتن عیال رکن الوزاره به گنبد قابوس

رکن الوزاره رئیس کمیسیون گنبد قابوس سه گاری فرستاده اهل و عیال خود را حرکت داده از راه آق قلعه به گنبد قابوس رفتند.

نمره ۶۲

درباب جلوگیری گمرکچی بارهای علاءالدوله را

زمانی که علاءالدوله سردار وارد بندر جز شدند يك بار تفنگ و فشنگ همراه داشته دو ساعت گذشته گمرکچی سرکرپی ۱۲۷ از بارها جلوگیری نموده به گمرک ببرند. خبر به علاءالدوله دادند که گمرکچی بارها را مانع شده است، تغییرزبانی نموده چند نفر سوارهای مصمصام لشکر را خواست بفرستد گمرکچی را ببرند. اسماعیل میرزا تلگرافچی بندر توسط کرده فوراً به گمرکخانه رفته بارها را آورده. صبح رئیس گمرک خدمت علاءالدوله رفته از ممانعت بارها معذرت خواستند.

درباب قتل فراش گمرک مشهدسر

ایضاً خبر رسید در مشهدسر مشهدی میرزا فراش گمرکخانه را به قتل رسانیدند.

درباب تلگراف سالارمقتدر

روز ۲۷ ماه جون سالارمقتدر تلگرافی به علمای استرآباد نموده است: خدمت جناب آقا شیخ صفی الله و حاج آقا سیدظاهر و آقا شیخ حسن سلمه الله تعالی. اغتشاش رامیانی و شرارت آنها چندی قبل به عرض رسیده بود، به این سبب عباس خان برادرزاده خود را به فندرسک آورده بوم دیروز فرستادم اهل و عیال را بیاورند. رامیانیها از دحام کرده به خانه عباس خان ریخته تمام اموال او را به غارت برده اهل و عیال را منفرق ساخته، يك نفر هم قتل شد.

تلگراف اهالی رامیان

خدمت جناب حاج شیخ حسین رئیس انجمن سلمه الله تعالی، گماشته سالارمقتدر به رامیان آمده يك نفر رامیانی را به قتل رسانیده. رامیانیها خانه عباس خان را غارت کرده، سالار چند نفر آدم به طایفه یموت فرستاده ترکمانها را خبر نموده که رامیان را خراب کند.

استغای رئیس پست بندر

میرزا طاهرخان رئیس پست بندر جز استعفا داده، چندی است بین رئیس پست استرآباد و ناظم پستخانه مجادله می باشد. طرفین شاکی بودند. از طهران حکم شد که رئیس بندر به استرآباد آمده استنطاق نماید قصور با بشیرهمایون است یا اینکه با میرزا محمدناظم.

رفتن تراکمه به فندرسک

مالار مقتدر برادرش میرزاهادی خان را باچندسوار به طایفه یموت فرستاده از گوکلان الی سرحد جعفربائی سوار خبر نمودند. از گوکلان به سرداری قایم ایشان سوار جمع می‌شوند. از جعفربائی و آتابائی تاکنون کسی نرفته‌است. تاچه اقتضا کند.

آمدن مدیر به شهر از بیلاق

۲۹ ماه مذکور مدیر قونسولگری به شهر آمده یک شب توقف کرده روز سی‌ام با بیست نفر سالدان ۱۲۸ به سمت بندر جز رفته خیال‌دارند برای امنیت اتباع خود دربار فروش رفته چند نفر قزاق در آنجا بگذارند.

دو فرقه شدن جعفربائی

عثمان آخوند طایفه جعفربائی بایک دختری مزاح می‌نماید. مادر دختر به شوهرش اظهار داشته، ترکمانها جمعیت کرده عثمان آخوند را حکم به کفرش نمودند. مشارالیه بدضدیت آنها عبدالله نام ترکمان را محرمانه به شهر فرستاده خدمت حاج شیخ حسین باطایفه خود مشروطه می‌باشم، آنچه دستورالعمل بدهید و محبت خواسته باشید اطاعت داریم.

آمدن صاحب منصب روس به شوراده

یک نفر صاحب منصب روس از طرف دولت در شوراده مأمور است در ایاب و ذهاب «پراخوت» تفتیش کرده تفنگ و فشنگ و باروط حمل نکنند.

سرقت مال از قریه کلاه‌سنگیان

غره ماه جولای خبر رسید سوار طایفه آتابائی و ایلغی به قریه کلاه‌سنگیان یک فرسخی مغربی رفته چهار رأس مال سرقت کرده بردند.

نمره ۶۳

دریاب رامیانیها

چهارم ماه خبر رسید تراکمه طایفه قچق یک نفر رامیانی را اسیر کرده بایک رأس مال بردند. از قرار مذکور سالار مفخم بجنوردی اهالی رامیان را محرک است.

تلگراف خوانین یموت

کاغذی که سالار مقتدر نوشته بودند برای ناخوشی پسرش یک نفر حکیم خواسته،

در ضمن خوانین یموت تماماً به کتول آمده تلگرافی به شاه عرض کرده اند که برای امنیت استرآباد حکومت فرستاده شود.

چپاول يك بار قماش

کربلائی حسینعلی تاجر کاشانی يك بار قماش حمل بدقیرید بالا بجهت ۱۴۹ نمود يك فرسخی مغربی، تراکمه جعفر بائی پیاده بسخو داشته آدم مشارالیه را به درخت بسته مال و بار قماش را گرفته رفتند.

غارت خانه نانوا

شب هفتم ماه مذکور سه نفر الواط محله سبز مشهد بدخانه شاطر نانوا ریخته پاترده تومان وجه باچند پرگاله مس او را بردند.

سرقه دونفر انگي ۱۵۰

ایضاً خبر رسید دونفر رعیت قریه انگي چهار فرسخی مغربی بدخواجه نفس رفته دورأس یابو سرقه کرده آوردند.

شیوع سرخك

چهار ماه است مرض سرخك در استرآباد و اطراف زیاد است. اطفال تلف می شوند، خصوصاً در هر جریب ۱۵۱ رسم است که مردان پیرو من راصدمه می زند. سالاراکرم با اهل و عیال مبتلا به این مرض گردیده اند.

درباب چوب زدن آقاصدق را

مشارالیه بایک نفر آدم به جهان نما رفته کربلائی سید مهدی رعیت قلندر محله را مغلولاً همراه خود به قریه سرکلاه دو فرسخی مغربی آورده زنجیر می کند. عنایت الله خان برادر مسعود الملك رعایای قلندر محله را خبر نمود و محرك می شود. به قریه سیصد نفر رعایای قلندر محله در اطراف ازدحام کرده می روند به قریه سرکلاه، آقاصدق را گرفته لخت و سر برهنه روی مال سوار کرده به قریه قلندر محله آورده چوب و افری به او می زنند که تمام اعضاء و جوارحش خورد شده خیال قتل او را داشتند. خبر به حاج سید طاهر رسیده آقا سید یعقوب و جمعی را فرستاده به مشقت زیادی آقاصدق رانجات داده به شهر آوردند. تاجه اقتضا کند.

۱۴۹ - (= بالا جاده).

۱۵۰ - گاهی «لنگ» می نویسد.

۱۵۱ - شاید هزار جریب.

راپرت تلگرافچی روس

نهم ماه جولای از تلگرافخانه روس انتشار یافت که سفارت فخمیه انگلیس و روس رسماً باسپهدار و صمصام السلطنه بختیاری که در اصفهان است مذاکره برای امنیت می نمایند و هشت هزار سالداد هم از روسیه وارد به اتزلی گردیده. لکن اهالی استرآباد از حرکات روسها نفرت دارند و تماماً راضی به تبعیت دولت فخمیه می باشند که روسها دخالت نداشته باشند.

شرارت اهالی بلد

شب دهم ماه جولای چند نفر اشرار تا صبح شلیک تفنگ نموده در ب‌خانه سالار مقتدر را با نفت آتش زده نصف در سوخت و خانه شیخ رضا ناصر الشریعه را نفت ریخته، صبح مردم دیدند که تابوتی در آنجا گذاشته، معلوم شد به تحریک شیخ محمد باقر است. به واسطه ندادن بیست تومان این حرکات صادر می شود.

نمره ۶۴۰

قتل سه نفر ملازم شیخ سلمان بار فروش را

لطفعلی خان سالار مکرّم کلبادی در تحت حمایت روس رفته در طهران. بعد از اصلاح کار خود یک قریه موسوم به بنه میر (?) یک فرسخی مشهد سر خالصه بود سی هزار تومان از دولت ابتیاع نمود، مراجعت به مازندران برای تصرفات قریه مذکور آدم فرستاد. سه نفر ملازم شیخ سلمان را در قریه بنه میر هدف گلوله ساخته مدیر قونسولگری به بار فروش رفته قریه بنه میر را تسلیم گماشتگان سالار مکرّم می نمایند.

درباب قتل بهرامعلی خان قاجار

روز یازدهم ماه جولای بهرامعلی خان قاجار طائفه دولو پسر محمدولی خان برادرزاده مرحوم علی خان آقا ملقب به صمصام نظام و سر تیپ دولت برای بستن نسق شلتوک از قریه چالکی یک فرسخی مغربی سوار شده می رود زیر حد قریه حیدرآباد رعایا را سرکشی نموده مراجعت می نماید. چند قدم فاصله به قریه حیدرآباد از پشت سر او را با تفنگ می زنند. گلوله از قفایش گرفته از حلقوم بیرون آمده فوت شد. از قرار مذکور به تحریک عنایت خان برادر مسعود الملک است و برخی می گویند پسر حاج جعفر خان حیدرآبادی به سن پانزده سالگی از بستگان مقتول قاتل است. تا چه شود.

قتل برادر کدخدای اصفهان کلاته

شب ۱۳ ماه جولای دو ساعت به صبح مانده برادر کدخدای اصفهان کلاته دوفرسخی

از مترنس ۱۵۲ بدخانه می آمد توی دروازه اورا تیرزده فوت شد.

درباب علی نام قهابی ۱۵۲

علی نام اهل دهات دامغان مشهور به قهابی چندی است صد سوار اطراف خود جمع نموده یاغی گری می نماید. زمانی که نیرالدوله از خراسان به سمت طهران می رفت علی نام هیجده بار بنه نواب والا را که چادر و دستگاہ و یخدان بود می برد منزل. علی قهابی يك فرسخ زیر حد قوشه هفت فرسخ مسافت به دامغان بغله کوهی چادرزده مشغول به راه زنی می باشد.

شورش رعایای هزارجریب

ایضاً خبر رسید دو نفر از صاحب منصب فوج سالاراکرم رعایای هزارجریب متعلق به سالار را سوزانیده می گویند از کثرت تعدی سالاراکرم را نمی خواهیم.

درباب رامیان

به عرض رفته بود سالار مقتدر برای شرارت اهالی رامیان چند تلگراف به دولت نموده از قراری که مذکور شد گماشته کموسر روس بداجازه وزیر مختار با چند نفر سوار جکت بدرامیان رفته اهل و عیال عباس خان برادرزاده سالار مقتدر را به فندرسک فرستاده جزئی اصلاحی شد. تاجه اقتضا کند.

مراجعت مدیر

شب ۱۶ ماه جولای مدیر روس از بارفروش مراجعت کرده روز مذکور به زیارت خاصه رود رفتند.

نمره ۶۵

تلگرافات سپهدار و علیقلی خان بختیاری

به سبب خلع محمدعلی شاه از سلطنت و پناه بردن به سفارت دولت فخمیه و تاجگذاری اعلیحضرت احمدشاه و تغییر کابینه وزراء، چهار تلگراف به انجمن ولایتی استراباد هفدهم ماه جولای عصری رسیده مشروطه خواهان تا نیم ساعت از شب گذشته شلیک تفنگ کرده، صبح هیجدهم مسجد جامع را فرش کرده، تمام مشروطه ها در مسجد حاضر شدند و تلگرافات را روی منبر قرائت نموده یازده تیر توپ شلیک نمودند. دو روز از اطراف و اهالی دهات به مسجد آمده صرف شربت و چای نموده، متصلاً شلیک تفنگ می شد.

۱۵۲ - شناخته نشد.

۱۵۳ - اصل: قهابی، ولی در دامغان آبادی «قهاب» هست.

قتل ترکمان داز

نوزدهم ماه مذکور خبر رسید ترکمان طایفه داز به قریه حسین آباد دزدی رفته به امر ساعدلشکر سه نفر ترکمان را تیرزده کشتند.

ایضاً قتل ترکمان طایفه داز

حیدرقلی خان پسر حاج رحیم خان دوازده نفر رعیت مقصودلوی را نفری ده تومان داده عوض خون پدرش تقاص نمایند. این اشخاص سه دسته شده. یک دسته در دلی تنگه کتول دو نفر طائفه داز را به قتل رسانیده. یک دسته سر آسیاب جعفر آباد ملک سه فرسخی مشرقی دو نفر ترکمان داز را به قتل می‌رسانند. ساعدلشکر محض رفاهیت خود یک نفر از قاتلین را فرستاده گرفتند که رفع اتهام قتل ترکمانها را از دهات ملک نموده باشد. طایفه مقصودلوی دو نفر از دهات ملک گرو می‌نمایند. لکن طایفه داز از جعفربائی و سایر ایلات سوار خبر نموده در مقام تقاص برآیند. تاچه اقتضا کند.

سرقه ترکمان راه بارکلاه

بیست و یکم ماه جولای خبر رسید تراکمه جعفربائی بالتکا آمده می‌روند دهنه وطن و راه بارکلاه که به شاهرود می‌رود بسخو می‌نمایند. مکاری از بندر جز قند به شاهرود حمل می‌نمود، یک نفر مکاری را به قتل رسانیده، یک نفر دیگر را با پنچ رأس قاطرو بار قند مال تاجر مسیحی را به انضمام هشتاد تومان وجه نقد چپاول نموده بردند.

درباب تاجگذاری اعلیحضرت احمدشاه

روز بیست و دویم ماه جولای انجمن ولایتی امر نمود چندتیر توپ شلیک نمودند. سه شب هم بازار و کوچه‌ها را چراغانی ۱۵۴ و تا صبح شلیک توپ نموده، شب ۲۴ بین دولتی و مشروطه‌ها نزاع گردیده تا چهار از شب گذشته طرفین شلیک تفنگ نمودند. یک نفر مشروطه را اهالی سرپیر مغلولاً گرفته تا صبح نگاه داشته، انواع اقسام صدمه و زخم به او رسانیده، دکاکین را بسته، تاچه اقتضا کند.

خراب کردن جلوخان درب ساعدلشکر

ایضاً به امر حاج شیخ حسین رئیس انجمن نمای درب خانه ساعدلشکر را مشروطه‌ها خراب نمودند.

نمره ۶۶۵

سلخ جولای رفت

درباب نزاع دروازه نو بامیدان

صبح بیست و پنجم ماه جولای قرار بود بین محله دروازه نو و محله میدان اصلاح شود، مبدل به منازعه گردید. طرفین برای خود سنگربندی نموده، از صبح تا ظهر شلیک تفنگ کرده، آسیبی به هم وارد نشد. پیرمردان محله میدان در بین افتاده اصلاح نمودند.

ریختن به خانه زنی

شب بیست و ششم ماه مذکور اشرار محله نعلبندان به خانه زنی ریخته دودختر داشت که شوهر داشتند تا صبح بایشان بدسیرتی نموده، صبح سه نفر زن به خانه حاج شیخ حسین رفته تظلم نمودند. ابداً گوش نداده در عوض سیاست نمودند.

درباب قتل نودیجه ای

یازده نفر رعایای نودیجه به اتفاق حاج ابراهیم تاجر ساکن قریه مذکور با ترکمانهای جعفر بائی وعده داده بودند نیم فرسخ زیر حد قریه رفته باهم صحبتی نمایند. اسیر میان دره که به دست تراکمه بود روز قبل هشتاد تومان حاج ابراهیم مذکور خریده، قرار بود وجه آن را با اجناس گرفته به صحرا برود. ترکمانها شبانه سی نفر در سر قرارداد آمده بسخو نمودند. حاج ابراهیم و یازده نفر دیگر که آدمهای کاری بودند صبح ۲۷ جولای به سر وعده می روند. در نقطه مزبور رسیده ترکمانها احاطه نموده تیر باران نمودند، هفت نفر پای تیر افتاده فوت شد. دوفنر زخم گرفته فرار کردند و دوفنر [را] سر بریده. ده قبضه تفنگ و راندل، هشتاد تومان وجه، پانصد تومان اجناس، هشت رأس مادیان گرفته و شکم حاج ابراهیم را هم پاره کرده بالجه زیادی رفتند.

درباب تلگراف وزیر داخله

ایضاً دو طرف تلگراف از وزیر داخله رسیده، یکی خطاب به حاج شیخ حسین و عموم اهالی بلد که اعتصام الممالک نایب الحکومه بر شما می باشد. یکی شخصاً به مشارالیه که نواب والا امیر اعظم حاکم استرآباد است و شما نایب الحکومه بالاستقلال می باشید تا ورود نواب والا همه قسم درامورات بلدیة رسیدگی و جلوگیری از اشرار بنمائید. تاچه شود.

درباب قتل امیر آبادی باسنگ

بیست و هشتم ماه مذکور در محله دباغان دوفنر بچه به سن پانزده سالگی باهم نزاع می نمایند. یک نفر رعیت امیر آبادی به سن بیست و پنج ساله در بین افتاده بچه هارا از هم

سوانمایند. یکی از آن اطفال سنگی برداشته پرتاب می‌کند. سنگ به پهلوی جوان امیرآبادی خورده به فاصله چهل دقیقه فوت شد. کسان مقتول قاتل را دستگیر کرده بد نایب‌الحکومه بردند.

درباب اسیر سعدآبادی

ایضاً خبر رسید چند نفر پیاده جعفربائی به قریه سعدآباد نیم فرسخی مغربی رفته يك نفر رعیت را اسیر کرده بردند.

درباب سرقت مال کریم آباد

شب ۲۹ ماه جولای تراکمه اتابائی يك رأس مال، يك رأس «ورزا» از کریم آباد نیم فرسخی شمالی سرقت کرده بردند.

درباب اغتشاش شاهرود

سیام ماه مذکور خبر رسید پنج نفر مجاهد از طرف خراسان وارد شده از سبزوار تلگراف شد آنها را بگیرند. اهالی شاهرود ازدحام کرده ایشان را بگیرند. میرزا عبداللہ نام در استرآباد همراه پانوف آمده يك دست نداشت، رئیس چهار نفر بود. يك نفر نعلبند و يك نفر دیگر را [با] شلول به قتل رسانیده آنها را دستگیر کرده توی کاروانسرا حبس و يك نفر فرار می‌نماید.

نمره ۶۷

۷ اگوست

درباب شورش کتول

سالار معزز حاکم کتول برای جلوگیری رعیت دوست و هشتاد تومان از بابت گاومیش دیوانی حواله داده رعیت جواب کرده ندادند. سالار معزز به طایفه دویچی رفته سران طایفه داز را خواسته پول و شلتوک به ایشان داده به کتول فرستاده دوسه قریه دهات کتول را آتش داده چند خرمن جو، گندم رعیت را آتش زده؛ آب نسق شلتوک را امر نموده انداختند. دو بلوک گوسفند، يك بلوک گاو چاپیده بردند. رعیت کتولی به سرداری ملاقاسم نام جمع شده رفتند در سعدآباد یا نصرآباد محل ییلاق سالار. اهل و عیال از ترس فراراً در خاک فندرسک خدمت سالار مقتدر رفته بلوائیان دو بلوک گوسفند، يك گاوسالار معزز را چاپیده بردند. بعد انبار شلتوک و برنج و خشکه، آنچه بود غارت کردند. به قرب صدقبضه تفنگ بردند. چند ورزای کاری را بردند. چند صندوق پول اندوخته سابق را بلوائیان توی جوال ریخته مراجعت کردند. در سرخ محله اردوی مفصلی انداختند. پولهای مزبور را توی رعیت تقسیم کرده، رعیت فندرسکی و رامیانی هم از گوشه و کنار ملحق

به اردوی کتولی شده اند. تاچه اقتضا کند.

در باب نوشتن اعتصام الممالک به تر اکه اتابائی

معظم الیه چند کاغذ به خوانین طایفه اتابائی و ایلیغی نوشته بودند که نواب امیر اعظم بر شماها حاکم است از اشرار جلو گیری نمائید تا ورود معظم الیه و مرحمت درباره شماها خواهند فرمود. خوانین مذکور هم جواب نوشته بودند که طایفه اتابائی ابدأ شرارت ندارد. طایفه جعفر بائی و داز یاغی شده اعتنائی به حکومت و شاه ندارند و می گویند حال که مشروطه شده است چهل فرسخ در چهل فرسخ از یموت و چاروا جمع شده بادولت مشروطه تراع خواهیم کرد. لکن تفنگ فلزی پنج تیره از خاک روسیه برای یموت آورده در گموش تپه چند نفر خریداری کرده اند.

در باب رامیان

چهار ماه اگست خبر رسید اهالی رامیان بعد از خراب کردن خانه عباس خان برادرزاده سالار مقتدر با گاو شخم می نمایند، یک دیگ بسیار بزرگ مملو از پول سفید بیرون آورده تقسیم کردند.

در باب دونفر کودار

پنج ماه مذکور چند نفر کودار از دهات ملک به سمت قزاق می رفتند به گرمابدشت رسیده، تراکه قرقچی یک زن و یک بچه بادو رأس مال چاپیده بردند.

تلگراف سپهدار به سالاراکرم

به عرض رفته بو دوزیر داخله تلگرافی به اعتصام الممالک نموده بود که نایب الحکومه باشد. مجدداً سپهدار تلگرافی به سالاراکرم هزار جریبی نمودند که نایب الحکومه بوده باشد. بداتفاق مسعود الملک و دو فوج ثلاثه عاجلا به استرآباد بیایند. تاچه شود.

بردن دونفر محمدآبادی

ایضاً روز مذکور سوار جعفر بائی به قرب سیصد سوار به سر محمدآبادی آمده دونفر رعیت را بادومال بعد از زدو خورد گرفته بردند.

در باب کتول

ششم ماه اگست خبر رسید سوارهای ترکمان به حمایت سالار معزز به کتول رفته تراع سختی نمودند چند قریه را آتش داده، طرفین قتلزادی شده است.

ایضاً در باب کتول

خبر رسید سالار معزز با چند نفر بستگان خود و ترکمان به کتول رفته، اهالی کتول

معزی‌الیه را باچند نفر دیگر به قتل رسانیده‌اند. اگرچه این مطلب منتشر شده است قتل سالار معزز افواه است.

نمره ۶۸۵

۱۸ * اگست ۱۹۰۹

درباب سالار معزز حاکم کتول

به عرض رفته بود مشارالیه باچندسوار ترکمان و کتولی می‌رود از دویچی به علی‌آباد کتول. پیرمردان قریه خدمت سالار رفته به طریق خدعه تظلم نمودند مانف شب با سالار معزز بوده رفتند و سالار خوابیده صبح زود اطراف علی‌آباد را رعیت غلبه می‌کند. سالار خود را به قنات آب انداخته از چاه آب فرار کرده پیاده به صحرا می‌رود. رعیت داخل علی‌آباد شده سبحان‌خان داماد سالار که جوان رشیدی بوده با دوفنر ترکمان به قتل رسانیده، اموالی که در علی‌آباد محل قشلاق سالار بوده تماماً را به غارت بردند. تاکنون از وجه نقد واجناس و غیره يك کروور به سالار معزز خسارت وارد نموده‌اند. لکن معظم‌الیه در طوایف یموت گردش می‌کند. در جمع‌آوری سوار ترکمان مشغول می‌باشد. تاچه اقتضا کند.

گرو کردن محمدآبادی

اهالی محمدآباد در عوض دوفنراسیر خودشان يك نفر ترکمان تبعه روس را از دوفرسخی شمالی گرو کرده آوردند. حاج شیخ حسین و اعتصام‌الممالک فرستاده ندادند. مدیر روس شخصاً به شهر آمده ده نفر قزاق بامنشی قونسولگری را فرستاده ترکمان را با دوفنر محمدآبادی را کشیده بردند. يك شب دوفنر محمدآبادی حبس کرده دو قبضه تفنگ آنها را گرفته رها کردند.

درباب سرقت توی شهر

شب نهم ماه اگست خانه حاجی اسمعیل نام ساکن محله نعلبندان را به قرب سیصد تومان وجه طلا و يك قبضه تفنگ به سرقت بردند. ایضاً طایفه اتابائی به شهر آمده هفت رأس گاو کاری مال رعیت محمدآبادی به سرقت برده، صاحبش به صحرا رفته هفتاد تومان گاوها را خریده آوردند.

درباب ورود سالار

دهم ماه مذکور محمدباقرخان هزارجریبی سالار نایب‌الحکومه وارد به دیوانخانه گردیده به صوابدید حاج شیخ حسین رئیس انجمن مشغول به رسیدگی امورات بلدییه

معزولی لشکر نویس

و ثوق السلطنه لشکر نویس باشی موثوق لشکر را مأمور شاهرود نموده به جای ایشان مجیر السلطان مأمور است، وارد شاهرود شده اند.

قتل دونفر کرده محله

دوازدهم ماه اگست چهار نفر رعیت کرده محله سه بار غوره و یک بار خربزه به عنوان میرزا جعفر خان منشی قونسول روس حمل به شهر می نمایند. نیم فرسخی مغربی توی رودخانه انجیر آب سی سوار جعفر بائی بسخو داشته جلوگیری می نمایند. دونفر آنها را بدقتل رسانیده، سر بریدند. چهار مال و دو قبضه تفنگ و راندل به انضمام بارها گرفته بردند. روز سیزدهم میرزا جعفر خان ده نفر قزاق برای گرفتن مال و بارها به جعفر بائی فرستاده. تاجه شود.

آوردن گامیش ترکمان را

پانزدهم ماه مذکور خبر رسید اهالی کرده محله شصت رأس گامیش از طایفه بشی اوسقه چپاول نموده بردند.

آمدن سوار اتابائی به سلطان آباد

شانزدهم ماه اگست سی سوار طایفه آق اتابائی برای چپاول گاوهای سلطان آباد رفته، اهالی قریه خبردار شده طرفین یک ساعت شلیک تفنگ نموده، یک رأس اسب ترکمان را گرفته خدمت پاج شیخ حسین آوردند.

نمره ۶۹

۲۷ ماه اگست

تعدیات مدیر روس

در زیارت خاصه رود غدغن کرده کسی تفنگ خالی نکند. هر آینه هر یک از اهالی شهر تیر خالی نمایند تفنگ او را ضبط کنند خواهد کرد. ضمناً ملا رحیم زیارتی توی رودخانه در میان آب گرم معدنی رفته، مدیر دو قزاق فرستاده عباى او را بردند. توسط زیادی چهار هزار وجه جرم از مشارالیه گرفته عبا را دادند، من جمله یک نفر پهلوى آب نشسته بود غلام خود را فرستاد بدین سبب چند پشت گردنی به رعیت بیچاره زدند. ملا زمان قونسولگری به سبب حرکات جوانی مدیر رنجش کلی دارند.